

دیوان ظهیر فاریابی در سفینه تبریز

حسین جلال‌پور*

چکیده

سفینه تبریز یکی از با ارزش‌ترین مجموعه‌های خطی موجود در زبان فارسی است. در این مجموعه حدود ۲۰۹ کتاب و رساله متنوع در تاریخ، نجوم، لغت، حدیث، فقه، کلام، تصوف و... و نیز دیوان‌های شعر بسیاری از شاعران نامی و بی‌نام گردآوری و کتابت شده است. همچنین ابیات پراکنده فراوانی از شاعران و نویسندگان مختلف در خلال دیگر آثار این مجموعه آمده است. یکی از دیوان‌های شعر این مجموعه، مربوط به ظهیرالدین فاریابی از شاعران تأثیرگذار قرن ششم هجری است. دیوان موجود در این مجموعه، افزونی‌هایی نسبت به دیوان چاپی مصحح استاد امیرحسن یزدگردی در انواع شعر مانند قصیده، قطعه، رباعی و نیز ابیاتی در خلال شعرها دارد. این مقاله در پی مقابله سفینه تبریز و دیوان چاپی ظهیر و نیز معرفی این گونه اشعار است. در این پژوهش چندین قصیده، قطعه و رباعی تازه از ظهیر فاریابی معرفی می‌شود و بر روی آن‌ها بحث می‌شود. جدای از سفینه تبریز چندین رباعی هم در نزه‌المجالس آمده است که در دیوان چاپی اثری از آن‌ها به چشم نمی‌خورد. در خلال قصاید و دیگر نمونه‌های شعری هم بیت‌هایی در سفینه موجود است که در دیوان نیست. همه این موارد در پژوهش حاضر آمده‌اند. یکی از ترکیب‌بندهای دیوان ظهیر در دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی نیز آمده است. این ترکیب‌بند در سفینه‌ی تبریز به نام ظهیر آمده و در پژوهش حاضر بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی

ظهیرالدین فاریابی، تصحیح متن، سفینه تبریز، نزه‌المجالس.

مقدمه

در بازیابی شعر شاعرانی که دستبرد روزگار شعرها و دیوان‌هایشان را بر باد داده یا از موجودی آن‌ها کاسته است نقش جُنگ‌ها و سفینه‌ها بی‌تردید نقشی تعیین‌کننده است. یکی از سفینه‌های بی‌نظیر که بیش از یک دهه از شناخت و معرفی

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان Jkama55@gmail.com

آن می‌گذرد مجموعه‌ای است موسوم به سفینه تبریز که به شماره ۱۴۵۹۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. در ۳۷۲ برگ این مجموعه، حدود ۲۰۹ کتاب و رساله متنوع در تاریخ، نجوم، لغت، حدیث، فقه، کلام، تصوف و... و نیز دیوان‌های شعر بسیاری از شاعران نامی و بی‌نام گردآوری و کتابت شده است. همچنین ابیات پراکنده فراوانی از شاعران و نویسندگان مختلف در خلال دیگر آثار این مجموعه آمده است.

این مجموعه نفیس به دست یکی از دانشی‌مردان روزگار به نام ابوالمجد محمد بن مسعود بن مظفر بن محمد بن عبدالمجید تبریزی در بین سال‌های ۷۲۱ تا ۷۲۳ گردآوری و کتابت شده است. به دلیل تنوع گسترده این اثر، هر گوشه‌ای از آن مشحون از تازگی و طراوت است و هر جستجو در آن می‌تواند سرشار از یافته‌های نو باشد.

از کتاب‌های موجود در این سفینه، که اهمیت فراوانی بر آن است، دیوان ظهیرالدین فاریابی است که پس از بسم‌الله الرحمن الرحیم با عبارت آغازین «دیوان الامیر الامام ملیح الکلام نادره العالم حسان العجم ظهیر...» در صفحات ۴۴۲ تا ۴۸۹ نسخه‌برگردان این کتاب آمده است.

ظهیرالدین طاهر بن محمد فاریابی یکی از بزرگ‌ترین شاعران قرن پربار ششم هجری است و به گواه اسناد موجود از آن دوره، در زمان خود از سخن‌سرایان معتبر بوده است. «بعضی اکابر و افاضل متفق‌اند که سخن او نازک‌تر و باطروات‌تر از سخن انوری‌ست و بعضی قبول نکرده‌اند و از خواجه مجدالدین همگر فارسی در این باب فتوی خواسته‌اند، او حکم کرده که سخن انوری افضل است... و در علم و فضل بی‌نظیر بوده» (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۹۰۰ میلادی: ۱۱۰) «وتمامت دیوان او مطبوع و مصنوع است و شعر او لطفی دارد که لطف او هیچ شعر دیگر ندارد» (عوفی، ۱۹۰۳ میلادی، ج ۲: ۲۹۸) اهمیت ظهیر در دوره خود را نزهة المجالس نیز تأیید می‌کند که ۳۵ فقره از رباعی‌ها شاعر را در بین رباعی‌های این مجموعه جای داده است.^۱

او در فاریاب به دنیا آمد، پس از اینکه تحصیلات مقدماتی را «در زادگاه خویش به پایان آورد به سوی نیشابور حرکت کرد... و به گفته خود مدت ۶ سال حرص علم و ادب وی را در خاکدان نیشابور زندانی کرد... در نیشابور روزگار چنانکه باید به وی روی مساعدت نمود و از طغان‌شاه (۵۶۹ - ۵۸۱) عنایتی فراخور خویش نیافت» (ظهیر فاریابی، ۱۳۸۱: ۲۷۹) از آنجا به امید رسیدن به نان به اصفهان و پس از نزدیک به دو سال اقامت در آن شهر، به مازندران رفت و از «انعام و صلوات و بزرگداشت حسام‌الدوله اردشیر بن علاءالدوله بن اسفندیار بهره‌مند می‌شود» (ظهیر فاریابی، ۱۳۸۱: ۲۸۱). از آنجا «به نزد قزل ارسلان به آذربایجان رفت و ظاهراً قبل از رسیدن به تبریز مدت دو ماه نزد «صفی‌الدین» نامی در اردبیل اقامت کرد...» (ظهیر فاریابی، ۱۳۸۱: ۲۸۲). در آذربایجان به دربار قزل ارسلان راه یافت و در قصایدی متعدد او را مدح گفت. سرانجام در سال ۵۹۸ در تبریز درگذشت و او را در گورستان سرخاب به دست خاک سپردند. نخستین بار چهار سال پس از مرگش یکی از دوستداران شعرش به نام شمس‌الدین کاشی دیوان او را جمع‌آوری کرده که با عنوان «مقدمه جامع دیوان استاد ظهیرالدین فاریابی» در ابتدای این چاپ مورد گفتگو آمده است.

پیشینه پژوهش

مقاله‌های متعددی در اهمیت، اعتبار و ارزش «سفینه تبریز» نوشته شده است. از این بین می‌توان به مقاله‌های استاد ایرج افشار در نامه بهارستان با عنوان «نسخه‌برگردان سفینه تبریز» و نیز «رباعیات خیام در سفینه تبریز» از سیدعلی میرافضلی

در «نشر دانش» اشاره کرد. نیز نخستین بار سیدعلی میرافضلی در مقاله‌ای با عنوان «خوب است ولی بهتر از این بایستی» دیوان چاپی ظهیر فاریابی را بررسی و نقد کرده‌اند و به پاره‌ای از برتری‌های ضبط سفینه اشاره کرده‌اند.

چاپ‌های دیوان ظهیر

دیوان این شاعر چندین بار در هند و ایران به طبع رسیده است؛ نخستین چاپ از دیوان در سال ۱۲۶۸ ق در کانپور به عمل آمده است. چاپ دیگری نیز به اهتمام بزوان سعید و آدان حمید در ۱۸۸۴ میلادی و نیز ۱۲۸۵ قمری در همان‌جا انجام شده.^۲ در ایران نیز چندین بار این دیوان چاپ شده است که از آن میان می‌توان به چاپ سنگی مصحح موسی الانصاری در ۱۳۲۴ قمری در مطبعه دارالخلافه و نیز چاپی که به سعی و اهتمام احمد شیرازی در تهران صورت گرفته است اشاره کرد. همینطور تصحیح‌های جداگانه دیگری از آن به کوشش تقی بینش در چاپخانه طوس مشهد در سال ۱۳۳۷ و نیز توسط هاشم رضی در سال ۱۳۳۸ در تهران انجام شده است. این چاپ‌ها همگی به دلیل نداشتن اسلوب علمی و دور ماندن از روش صحیح تصحیح از ایرادهای شگفت‌انگیز به دور نمانده‌اند تا جایی که قصیده بسیار معروف «الا ای خیمگی خیمه فروهل که پیش آهنگ بیرون شد ز منزل» نیز در پاره‌ای از آن‌ها سر به درآورده است.

آخرین تصحیح علمی از دیوان این شاعر در دو بخش، در سال ۱۳۸۱ در ۵۹۲ صفحه توسط نشر قطره، با تصحیح، تحقیق و توضیحات استاد فقید دکتر امیرحسن یزدگردی و به اهتمام دکتر اصغر دادبه به چاپ رسید. بخش نخست پس از شرح احوال و آثار دکتر یزدگردی به قلم دکتر دادبه، شامل: مقدمه جامع دیوان، قصاید، قطعات، ترکیب‌بندها، ملامعات!، غزلیات، مثنوی‌ها و رباعی‌های شاعر است، و بخش دوم، که در واقع توضیحات و تعلیقات مصحح است، در بردارنده زندگی ظهیر، شعر ظهیر، شعر ظهیر در کتب ادب، دیوان ظهیر فاریابی [نسخه‌های مورد استفاده]، فرهنگ لغات و کنایات و تعبیرات و حواشی و تعلیقات است. این اثر با عنوان «تصحیح انتقادی دیوان استاد ظهیرالدین فاریابی و بحث در احوال و آثار و حل مشکلات اشعار وی» (ظهیر فاریابی، ۱۳۸۱: ۱۵) پایان‌نامه دوره دکتری آن شادروان بوده است که در اوّل آبان‌ماه ۱۳۳۶ به راهنمایی استاد بدیع‌الزمان فروزانفر از آن دفاع شده است. این تصحیح فعلاً - آبرومندانه‌ترین تصحیحی است که از دیوان این شاعر قصیده‌سرا عرضه شده است. خود استاد یزدگردی در حاشیه صفحه ۱۲۹ نغثه‌المصدر می‌نویسد: «نگارنده، دیوان این شاعر قصیده‌سرا را در طی سالیانی چند با مقابله یازده نسخه کهن سال تصحیح کرده و در شرح احوال و مقام شاعری و نیز مشکلات اشعار وی بر آن حواشی بی‌بیفزوده است و امید دارد به زودی به طبع آن اقدام کند. (زیدری، ۱۳۸۱: ۱۲۹) این بدان معنی است که تصحیح متن دیوان در نظر ایشان تمام شده بوده است اما به گفته دکتر اصغر دادبه ایشان هیچ‌گاه از کوشش برای بهتر کردن این اثر دست نکشیدند و، پس از دفاع از پایان‌نامه تا آخرین روزهای حیات، در پی بی‌نقص کردن آن بوده‌اند. به نظر می‌رسد تنها کاستی‌یی که پس از درگذشت آن بزرگ به تلاش چندین ساله ایشان راه یافته در قسمت توضیحات و تعلیقات باشد زیرا قسمتی از آن، به گفته آقای دکتر دادبه، ناپدید شده است: «تا آنجا که نگارنده این سطور دیده بود دوگونه یادداشت فراهم می‌آمد: یادداشت‌هایی که بر پشت و حواشی صفحات نسخه تاییی دیوان ثبت می‌افتاد و یادداشت‌هایی که بر اوراق جداگانه نوشته می‌شد و لابه‌لای صفحات قرار می‌گرفت تا در وقت مناسب در جای خود قرار گیرد و به مطالب پیشین پیوندد... و امروز متأسفانه تنها گونه اول یادداشت‌ها در دست است و این از آن روست که از زمان درگذشت استاد تا آن‌گاه که مجموعه به دست من رسید، دقیقاً معلوم نیست که به دست چه کسانی سپرده شده است. همین قدر می‌دانم که زمان‌ها در اختیار کس یا کسانی بوده است!» (ظهیر فاریابی،

۱۳۸۱: ۱۶ و ۱۷) پس این تصحیح، پس از ناپدید شدن یادداشت‌های استاد یزدگردی، همان موجودی پایان‌نامه دکتری ایشان است و دکتر دادبه نیز تلویحاً این نکته را پذیرفته است: «بخش اعظم از این مجموعه همان است که استاد آن را به عنوان پایان‌نامه دکتری خود فراهم آورده بود...» (ظهیر فاریابی، ۱۳۸۱: ۱۶).

از این تصحیح امروز بیش از ۵۰ سال می‌گذرد و در این مدت، نسخه‌های معتبر دیگری از دیوان شاعر به دست آمده است که می‌تواند در تصحیحی مکمل و شاید مجدد، بسیاری از مشکلات راه یافته به این تصحیح را مرتفع کند؛ از آن جمله است سفینه تبریز که دیوان شاعر در آن برگ‌های ۲۲۲ تا ۲۴۶ این مجموعه را شامل می‌شود و در سال ۷۲۱ کتابت شده است.

علی‌رغم گفته دکتر اصغر دادبه که «حاصل کار استاد بی‌گمان، بی‌مانند است» متأسفانه باید گفت این گونه نیست؛ شاید «هر چه هست چاپ نسخه مصحح استاد یزدگردی... آغاز حکایتی دیگر در زمینه ظهیرشناسی» باشد. (ظهیر فاریابی، ۱۳۸۱: ۱۹) جدای از قصیده‌ها، قطعه‌ها و رباعی‌های متعدد و بیت‌هایی که در خلال قصیده‌ها از تصحیح بیرون مانده‌اند، ایرادهایی در ضبط بیت‌ها نیز راه یافته که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

به هر روی دکتر امیرحسن یزدگردی برای تصحیح دیوان ۶ نسخه اصلی به قرار زیر در اختیار داشته است:

۱) نسخه شماره ۲۶۵۵ اسعد افندی محفوظ در سلیمانیه که در سال ۷۱۷ هـ کتابت شده است.

۲) نسخه شماره ۴۶۵ یونیورسیتیه با تاریخ کتابت ۷۵۹.

۳) نسخه‌ای متعلق به آقای مهدی بیانی با تاریخ کتابت ۷۶۸.

۴) نسخه‌ای دیگر متعلق به یونیورسیتیه به نشانی ۶۸۸ و تاریخ کتابت ۸۴۰.

۵) نسخه شماره ۷۹۸ کتابخانه ملی پاریس و تاریخ کتابت ۸۴۳.

۶) نسخه‌ای به نشانی or.3325 از بریتیش میوزیوم با تاریخ کتابت ۸۷۲.

و نیز هشت نسخه فرعی که «در موارد اشکال بدان‌ها مراجعه شده است».

همانطور که ملاحظه می‌شود دیوان ظهیر در سفینه تبریز تنها ۴ سال از نسخه اساس جوان‌تر و قدمت آن ۳۸ سال از نسخه دوم بیشتر است.

در چاپ مورد گفتگو دیوان شاعر شامل ۸۱ قصیده، ۱۰۶+۱ قطعه، ۴ ترکیب‌بند، ۲ ملمع، ۱۰ غزل، ۲ مثنوی و ۱۰۰ رباعی است. تعداد بیت‌های آن نیز در مجموع ۳۶۷۴ بیت است.

سفینه تبریز، در مقایسه با دیوان چاپی، در بردارنده ۷۹ قصیده، ۹۴ قطعه، ۴ ترکیب‌بند، ۳ ملمع، ۴ غزل، ۱ مثنوی، ۶۵ رباعی است که شمار ابیات آن بر روی هم ۳۴۱۹ بیت است. این مجموعه نیز، هرچند مانند دیگر نسخه‌های موجود از دیوان ظهیر، شامل همه اشعار شاعر نمی‌شود ولی اهمیت آن در این است که از این تعداد شعر ۵ قصیده، ۱۰ قطعه و ۹ رباعی اشعاری‌اند که در دیوان چاپی اثری از آن‌ها نمی‌بینیم. افزون بر این، در بین پاره‌ای از قصاید و یکی از قطعات موجود نیز، ابیاتی است که در دیوان چاپی نشانی از آن‌ها نیست.

قصیده‌ها

از مجموع قصیده‌های دیوان چاپی، سفینه تبریز فاقد ۷ قصیده به شماره‌های ۱۰، ۲۲، ۲۶، ۳۳، ۴۶، ۶۰ و ۶۸ است، اما ۵ قصیده دارد که در هیچ کدام از نسخه‌های موجود در دست استاد یزدگردی نبوده‌اند. این قصیده‌ها بر روی هم ۱۰۴ بیت

دارند. مطلع قصاید و تعداد ابیات آن‌ها به تفکیک بدین‌گونه است:

* ستاره سجده کند طلعت منیر تو را	این قصیده ۱۴ بیت دارد.
زمانه بوسه دهد پایه سریر تو را (عکسی: ۴۴۷)	
* بُرد گوی دولت از شاهان گیتی سر به	این قصیده ۲۳ بیت دارد.
شاه بوبکر آن که ملکش هست میراث از (عکسی: ۴۵۴)	
* این جهانداری که اصل دولت است ایام	این قصیده ۲۴ بیت دارد.
حجت فتح و دلیل نصرت است اعلام او (عکسی: ۴۶۲)	
* خدایا دور کن چشم بدان زین طالع	این قصیده ۲۲ بیت دارد.
از این شاه مبارک‌رای عالی قدر روزافزون (عکسی: ۴۶۲)	
* آمد به فرخی و سعادت به دار ملک	این قصیده ۲۱ بیت دارد.
صدری که هست بر قلم او مدار ملک (عکسی: ۴۷۱)	

قطعات

دیوان چاپی ظهیر در مجموع ۱ + ۱۰۶ قطعه دارد و سفینه ۹۴ قطعه. در این بین در ۸۴ قطعه با هم مشترک‌اند. ۲۲ قطعه به شماره‌های ۴، ۶، ۸، ۱۵، ۱۸، ۲۲، ۲۶، ۲۹، ۳۸، ۴۶، ۵۲، ۵۵، ۵۷، ۶۶، ۶۹، ۷۶، ۷۷، ۸۶، ۸۸، ۹۱، ۹۷، ۱۰۳ و قطعه‌ای که در پایان رباعی‌ها آمده است در سفینه نیامده‌اند، اما سفینه نیز ۱۰ قطعه متفاوت دارد که جمع ابیات آن‌ها ۷۷ بیت است. قطعه‌هایی که در دیوان چاپی نیامده‌اند این‌هاست:

ای سینه روزگار پر جوش	از آتش تیغ ابدارات
هرچ از لب آرزو در آید	ایام نهاده در کنارت
در مدت عمر نارسیده	خورشید دواسبه در غبارت
چون عزم سفر درست کردی	دولت که همیشه باد یارت
پیش از خدم تو می‌خرامید	منزل منزل در انتظارت

(عکسی: ۴۷۶)

مطلع دیگر قطعه‌ها و شماره ابیات آن‌ها بدین شکل است:

* سلام من برسان ای صبا به خدمت آن	که رکن کعبه ارباب معرفت در اوست (عکسی: ۴۸۰)
که قطعه‌ای است با ۹ بیت.	
* ای جمع کرده مبدع کن در جناب تو	هم صورت ملایکه هم سیرت ملوک (عکسی: ۴۸۲)
این قطعه ۷ بیت دارد.	
* سر اکابر عالم بهای دولت و دین	تو را رسد به جهان سروری و سلاری (عکسی: ۴۸۲)
این شعر نیز دارای ۶ بیت است.	
* من آن زخم که همه کار من	به زیر مقنعه من بسی کله‌داری‌ست (عکسی: ۴۸۳)
این قطعه ۹ بیت دارد.	

* دور یکی کاندرو چو من کسی از چرخ
این قطعه ۱۲ بیت دارد.

در سر سرمست خورد و خواب نیاید

(عکسی: ۴۸۳)

* دعانی و ما اضمرت من لوعه الهوی
این قطعه ۲۱ بیت دارد و همه ابیات آن به عربی است.
و صورت کامل سه قطعه کوتاه‌تر سفینه تبریز:

فقی القلب منی ما حبیب بلابل

(عکسی: ۴۸۴)

مرا اگر تو ندانی عطاردم داند
به هر قران و به هر دور چون منی نبود

که من کی ام ز سر کلک من چه کار آید
ز روزگار چو من کم به روزگار آید

(عکسی: ۴۸۵)

خواستم از دلبری دو بوسه و گفتم
گفت یکی بس بود که گر دو ستانی
عمر عزیز است بوسه من و، هرگز

تربیتی کن به آب لطف خسی را
فتنه شوی و آزموده‌ایم بسی را
عمر دوباره نداده‌اند کسی را

(عکسی: ۴۸۵)

قضا با قدر امتحان کرد و گفت:
به دست که باشد مدار فلک؟
قدر گفت: «هی این چه بی

«کنون کز جهان شد جهان‌پهلوان
به حکم که باشد زمین و زمان؟»
به دست مظفر قزل ارسلان»

(عکسی: ۴۸۵)

رباعی

هرچند در صفحه ۳۳۸ دیوان چاپی آمده «در دیوان ظهیر مجموعاً ۹۹ رباعی است» ولی شمار رباعی‌های این دیوان ۱۰۰ فقره است. سفینه جمعاً ۶۵ رباعی در خود دارد که تعداد آن ۳۵ فقره از دیوان چاپی کمتر است. از این تعداد ۵۶ رباعی مشترک دارند و نیز ۹ رباعی در سفینه آمده که در دیوان چاپی خبری از آنها نیست.

سفینه رباعی‌های شماره ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۸، ۴۹، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۸، ۷۲، ۷۳، ۷۷، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۲، ۹۸ و ۱۰۰ را ندارد. رباعی‌های متفاوت سفینه این‌هایند:

هر چند تو را نیست غم دوری من
زرد است ز هجر تو گل سوری من

ای بی‌خبر از عنا و رنجوری من
عشق تو به باد داد مستوری من

هر لحظه به نزدیک خودم می‌خوانی
احوال همی‌پرسی و خود می‌دانی

تو سرو روانی و سخن پیش تو باد
می‌گویم و سر به هرزه می‌جنبانی^۵

قرست؟ بر؟ آن روز و شب آمیغ هنوز
 خطّ تو اگر چه پای بر ماه نهاد

 دی روز وصال بود و هجران امروز
 امروز برآتم ز پی دی که گذشت

 ای فر تو داده روشنی با دیده
 وی دست تو دریا شده در دست بمان

 ای گوهر شب چراغ فاش از قلمت
 تیغ است مدار ملک وصلت او نیز

 آن شمع که آفت سر است افسر او
 بر گریه من شبی نخندید به طنز

 در عشق تو ای کوی غمت منزل من!
 آن لعل لبّت با همه سیرابی خویش

 نومید مرا در کف غم بگذاری
 ای خسته او چنانکه من کشته او

داستان رباعی‌های جا مانده از دیوان چاپی به همین جا ختم نمی‌شود. ۱۱ رباعی نیز در نزهه‌المجالس آمده که در دیوان چاپی نیستند. یکی از این رباعی‌ها با مصراع آغازین «نومید مرا در کف غم بگذاری» با سفینه مشترک است. در نزهه‌المجالس این رباعی‌ها به نام ظهیر آمده‌اند که در چاپ دیوان نیستند:

پروین خواهد که طرف ساز تو شود
 زهره که به طبع رود ساز تو شود
 مه را شرف این نه بس که هر ماه دو بار
 چون نعل سمند و، طبل باز تو شود

(جمال خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۱۶۱)

ای شمع کسی گریستن را ورزد
 کز هیبت او شمع فلک می‌لرزد
 گیرم که عدوی خسرو وقت بمرد
 آن مرده، بدین گریستن می‌ارزد

(همان: ۱۶۴)

دی باد کشید در چمن رایست گل
 بر حاشیه صحن، ورق‌های چمن
 دست من و جام باده، تا غایت گل
 پنج آیت غنچه است، ده آیت گل

(همان: ۲۲۱)

با یار حدیث وصل اگر درنگرفت بی زر، چه عجب که خشم دیگر نگرفت
بنگر به عروس گل، که در مجلس باغ یک خنده نزد، تا دهنی زر نگرفت

(همان: ۲۲۰)

یارم چو کنون رنج مرا یاد کند برگ گل خود، تبه به شمشاد کند
گویی که فلک نبشت بر عارض او کاین است سزای آن که بیداد کند

(همان: ۳۶۲)

آن بت، که ز عشق خویش مدهوشم کرد بگرفت، به قهر حلقه در گوشم کرد
می‌خواستم از درد که فریاد کنم لب بر لب من نهاد و خاموشم کرد

(همان: ۳۹۴)

یا رب که من و هزار بهتر ز منت برخی تن نرم و نازک چون سمند
ای جان و جهان، ز خود روا می‌داری من مرده و آب زندگی در دهند

(همان: ۳۹۴)

ای دوست مرا به کام دشمن کردی دشمن نکند آنچه تو با من کردی
تو سوخته خرمن دگر کس بودی چون خویشتنم، سوخته خرمن کردی

(همان: ۴۵۶)

ای اشک به رفتن ار چه رویی داری وز خون دلم تو رنگ‌وبویی داری
از دیده سبک می‌روی ای اشک روان با آنکه گذر بر سر مویی داری

(همان: ۶۵۷)

آنم که فلک به چشم من خوار آید از گردش او مرا چه تیمار آید
ای چرخ، نه بر مراد من می‌گردی وز تو گله کردم همی عار آید!

(همان: ۶۸۱)

چون نیست در این زمانه عهدشکن یک دوست، که عاقبت نگردد دشمن
تنهایی را کنون نهادم گردن با خویشتنم خوش است، زین پس من و من

(همان: ۶۸۱)

اگر پنج رباعی دیگر را هم که به نام «ظهیر» در این کتاب آمده از همان «ظهیر فاریابی» به حساب آوریم، که با توجه به شواهد موجود باید به حساب آوریم زیرا یکی از این رباعی‌ها به نام ظهیر فاریابی در همان کتاب تکرار شده است و یکی از رباعی‌ها نیز با سفینه مشترک است، این تعداد به چهارده فقره خواهد رسید زیرا از این پنج رباعی، ۲ رباعی در دیوان چاپی آمده و ۳ رباعی نیامده است:

آن ماه که دل ز بهر او ایمن نیست
در طره او قرار خود ممکن نیست
سودای وی از چیست، که چندین زنجیر
بر هر مویی نهاد، هم ساکن نیست

(جمال خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۳۲۵)

آن روز که بخت من ز من برگردد
در عشق تو مردم، میسر گردد
در حسرت آنم که، که خواهد عذرت
چون چشم تو در ماتم من تر گردد

(جمال خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۴۴۰)

و نیز رباعی «در عشق تو ای کوی غمت منزل من» که در رباعی‌های مربوط به سفینه آمده است. (جمال خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۳۸۸). با این اوصاف رباعی‌هایی که در دیوان چاپی نیامده‌اند در مجموع ۲۲ فقره است.

ترکیب‌بند

هر ۴ ترکیب‌بند را سفینه زیر عنوان «الترجیعات» آورده است. ترکیب‌بند شماره ۴، بیت ترکیب را ندارد و به جای آن، به اشتباه بیت اوّل هر بند بعد را گذاشته است. تعداد بیت‌های ترکیب‌بندها در دیوان چاپی ۱۹۳ و در سفینه ۱۷۸ بیت است.

درباره ترکیب‌بند شماره ۱ گفتنی است: «این ترکیب‌بند در دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق نیز آمده است» (ظهیر فاریابی، ۱۳۸۱: ۳۳۳). آنگونه که توضیحات مصحح نشان می‌دهد تنها نسخه‌های «بم» و «سق» این ترکیب‌بند را داشته‌اند (ظهیر فاریابی، ۱۳۸۱: ۲۳۳). و آنگونه که نسخه‌بدل‌ها روایت می‌کنند متن از «بم» است و اختلاف‌های «سق» با آن در حاشیه آمده است. «بم» همان نسخه بریتیش میوزیوم و ششمین نسخه از ردیف نسخه‌های مورد استفاده مصحح است که در تاریخ ۸۷۲ کتابت شده است. نسخه «سق» نیز از جمله نسخی است که «در موارد اشکال بدان‌ها مراجعه شده است» (ظهیر فاریابی، ۱۳۸۱: ۳۷۳). این نسخه تاریخ کتابت ندارد ولی مصحح محترم از شیوه خط آن حدس زده‌اند که در قرن نهم کتابت شده است. دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق به تصحیح مرحوم وحید دستگردی نیز که این ترکیب‌بند در آن آمده است تصحیح قابل اعتمادی نیست، و در آنجا مصحح مشخص نکرده‌اند این شعر در کدام یک از نسخ موجود در دست ایشان بوده است و کدام یک آن را نداشته‌اند. در کل، تمام اطلاعاتی که از نسخه‌ها به دست می‌دهند این است: «از این ده نسخه که مورد استفاده واقع شده‌اند چهار نسخه کهن سال مخصوص کتابخانه ارمغان است» (جمال‌الدین عبدالرزاق، ۱۳۶۲: یط) و از کیفیت نسخه‌ها اطلاعی به ما نمی‌دهد. آن گونه که از فحوای کلام آن بزرگوار برمی‌آید ایشان در پی رساندن ابیات دیوان جمال‌الدین به بیست‌هزار بیتی بوده است که تذکره‌نویسان خبر از آن داده بوده‌اند ولی در مجموع بیش از ده‌هزار بیت به دست نیاورده است. با وضعیت موجود دیوان جمال‌الدین و موجود بودن این شعر در سفینه تبریز احتمال اینکه این ترکیب‌بند از ظهیر باشد به واقعیت نزدیک‌تر است.

نسخه‌های کهن سال دیوان ظهیر تا اوایل قرن نهم این شعر را در خود نداشته‌اند و صورت چاپی، همانطور که گفته شد از نسخه‌ای مورخ ۸۷۲ به متن آمده است. با عنایت به تاریخ کتابت سفینه و نیز اعتبار آن نسخه، پس از این، ضبط‌های سفینه باید به متن بیاید. صورت آمده در سفینه تفاوت‌هایی با دیوان چاپی دارد که پاره‌ای از آن‌ها به قرار زیر است:

(۱) در سفینه بندهای چهارم و پنجم جابه‌جایند. این صورت را دیوان جمال‌الدین نیز تأیید می‌کند.

(۲) بیت ترکیب در بند چهارم (بیت ۱۳^۶ ص ۲۳۲) متعلق به بند ششم است و برعکس. این ضبط را نیز دیوان جمال‌الدین تأیید می‌کند.

(۳) سفینه بیت‌های ۱۹ و ۲۰ صفحه ۲۳۲ را ندارد. سفینه بیت ۵ صفحه ۲۳۳ را نیز ندارد. این بیت در نسخه «بم» نیز نبوده است.

(۴) دو بیت در دیوان چاپی این‌گونه آمده است:

منبر از وعظت ممکن می‌شود مسند از دستت مزین می‌شود...
روز بدعت از تو تیره می‌شود چشم ملت از تو روشن می‌شود

این دو بیت در سفینه بدین گونه‌اند:

منبر وعظت مزین می‌شود چشم ملت از تو روشن می‌شود...
روز بدعت از تو تیره می‌شود مسند از دستت مبین می‌شود

(۵) در بند ششم ابیات دوم و سوم جابه‌جا شدند. این صورت را نیز دیوان جمال‌الدین تأیید می‌کند.

(۶) بیت ۵ در صفحه ۲۳۲ در چاپ اینگونه است:

رکن دین مسعود سعد روزگار کز وجودش خاست سعد روزگار

هر دو نسخه در دست مصحح گویا این ضبط را داشته‌اند با همین قافیه معیوب که مصحح نیز به آن واقف بوده است. در سفینه نیز مصراع دوم به این صورت است: کز وجودش یافت قدر روزگار، هرچند این ضبط بهتر از دو نسخه دیگر است ولی باز هم مشکل قافیه لاینحل باقی می‌ماند. صورت صحیح آن در دیوان جمال‌الدین اصفهانی است که به جای مسعود سعد مسعود صدر دارد.

اختلافات دیگر:

با چنین حسن ار وفایی داشتی کار ما آخر چنین نگذاشتی

(۲۳۱/۸)

سفینه: کار ما چونین فرونگذاشتی.

ای بسا کز هجرت آب چشم من همچو باد مهر جان بر زر گذشت

(۲۳۱/۱۲)

سفینه: باد مهرگان. دیوان جمال نیز همین ضبط را دارد. ضمناً دیوان چاپی به همین صورت با فاصله بین مهر و جان است.

از لب تو بلعجب‌تر پاسخت کآن چنان تلخ است و بر شگر گذشت

(۲۳۱/۱۵)

سفینه: پاسخی ست.

وای تو کت خون من در گردن است ورنه نیک و بد مرا هم درگذشت

سفینه: ورنه ما را نیک و بد هم درگذشت. این ضبط را هم نسخه «سق» و هم دیوان جمال تأیید می‌کنند.

سلسله بر طرف دنیا افکند تا مرا در بند سودا افکند

(۲۳۱/۱۹)

سفینه: ... بر طرف دیا افکند. دیوان جمال نیز همین ضبط را دارد.

گاه وعده دانم از بهر امید بر ره امروز و فردا افکند

(۲۳۲/۱)

سفینه: گاه وعده دانم بهر امید.

هر کجا تو برگشادی روز نطق گوهر از لفظ تو خرمن می شود

(۲۳۳/۳)

سفینه: ... برگشادی درج نطق. نیز در دیوان جمال.

روز تو عید است قربان تو خصم این چنین عیدی تو را فرخنده باد

(۲۳۳/۱۴)

سفینه: روز تو عید است و قربان خصم تو. این ضبط را نیز دیوان جمال تأیید می کند. تفاوت های دیگری نیز نظیر: آن به جای این، تأخیر به جای تأثیر، لیک به جای ورنه و اختلافاتی از این دست دیده می شود که از ذکر آن درمی گذریم. گفتنی است ترکیب بند ۴ نیز از نسخه «بم» و «سق» روایت شده و سفینه اختلافاتی با متن دارد.

غزل، مثنوی

این گونه شعرها چیزی به دیوان چاپی ظهیر اضافه نخواهد کرد، اما همان طور که پیش از این گفته شد در دیوان چاپی ۱۰ غزل آمده و ۲ ملامع. سفینه این تعداد را مجتمع کرده و غزل های شماره ۱ و ۱۰ را ندارد و قصیده شماره ۸ را در بین غزل ها جای داده است. احتمال این که سفینه درست عمل کرده باشد زیاد است چون درونمایه این تغزل ۱۳ بیتی بیشتر به غزل می ماند تا قصیده.

سفینه از دو مثنوی دیوان چاپی، تنها مثنوی اول را دارد و بیت های سوم و هشتم آن را نیز ندارد.

بیت های افزون

دیوان ظهیر در این چاپ حدود ۳۶۷۴ بیت است. اما با بررسی سفینه پی می بریم چندین بیت و مصراع، به جز قصیده ها، قطعه ها و رباعی های کاملی که ذکرشان گذشت، از شعرهای شاعر در این چاپ نیامده است.

قصیده ۵ پس از بیت هفدهم این بیت را دارد:

دست به دست جود جو برخاست در جهان بی زر کسی نبیند جز بر چنار دست

قصیده ۱۶ پس از بیت چهارم:

به رنج و صبر من خودپرست خود دشمن بلای عشق به رغبت همی خرم به مراد

قصیده ۲۱ پس از بیت هفدهم:

نه دگر عقد به سوی مه تابان نگرد / بی شب تیره بی روز منور گیرد

همان قصیده پس از بیت هجدهم:

گر ز قهر تو نه لطفی بودش آب شود / ور ز امر تو نه نهی بود آذر گیرد

در قصیده ۲۹ بعد از بیت دوم این بیت را دارد:

کاشکی ره بر فلک بردی که دیدی چشم خلق / کاین سه‌نوبت هفت کوبک بر فلک چون می‌زنند

قصیده ۳۰ پس از بیت بیست و پنجم:

سریر ملک عطا داد کردگار تو را / به جای خویش بود هر چه کردگار دهد

قصیده ۴۹ پس از بیت پنجم:

مجاوران ارم بگسلند بهر نطق / به دست باد صبا عقدهای گردن حور

قصیده ۴۳ پس از بیت بیست و هفتم:

قضا ببوسد و گردون به دیده درمالد / هر آن مثال که صادر شود ز دیوانش

قصیده ۶۱ پس از بیت دوم:

رخسار و زلف توست عجب کاری / جان فرشته و تن آهن‌رمن

قصیده ۶۹ پس از بیت بیست و چهارم:

سنان نیزه آب است در هوا روشن / در آورند به چشم عدوت آب سیاه

قصیده ۷۶ پس از بیت دوازدهم این بیت را دارد:

گر صبا تحفه برد گرد سپاهش به چمن / چشم نرگس شود ایمن ز چه از بی‌خبری

و در قطعه ۲۸ پس از بیت پنجم:

کدام در هنر بود در خزینه ملک / که آسمان به عطا در کنار تو نهاد

از کمبودهای دیگر این تصحیح که به دست سفینه می‌تواند جبران شود این است که در پاره‌ای مواضع دو مصراع از دو بیت حذف شده و دو بیت دیگر در هم ادغام شده‌اند، در نتیجه معنی شعر از بین رفته است؛ در صفحه ۴۹ قصیده ۱۱ آمده:

شخص سعادت روا بود که ندارد / پای ز درگاه او که حصن حصین است

صورت صحیح آن در سفینه به این صورت است:

شخص سعادت روا بود که ندارد / دست ز فتراک او که جبل متین است

صورت دولت شود که بار ندارد / پای ز درگاه او که حصن حصین است

با این اوصاف مجموع بیت‌هایی که سفینه تبریز به دیوان ظهیر فاریابی اضافه می‌کند ۲۱۲ بیت است. به این جمع باید

۲۶ بیت حاصل از ۱۳ رباعی نزهه‌المجالس را نیز افزود.

نکته گفتنی دیگر این است که در این چاپ هیچ‌کدام از عنوان‌های اشعار نیامده است. بعید به نظر می‌رسد نسخه‌های در دست مصحح به این صورت ساده که در چاپ حاضر می‌بینیم آمده باشند. ذکر سرعنوان‌ها و اینکه هر قصیده یا قطعه در مدح چه کسی یا به چه عنوانی سروده شده است می‌توانست بیشتر به کار محققین بیاید. به عنوان مثال در صفحه ۳۱۵، که بررسی حال و احوال ممدوحان شاعر است، آمده: «فخرالدین - که محتمل است فخرالدین علاءالدوله عربشاه باشد که در اواسط قرن ۶ نفوذ بسیار به هم رسانیده بود...» با استناد به ضبط موجود در سفینه بر سر قطعه ۶۸، این شخص، علاءالدوله عربشاه مذکور نیست. در آن‌جا آمده است «و ایضاً له بمدح پهلوان فخرالدین الخلیجی» (عکسی: ۴۷۸). این شخص همان است که شاعر در قصیده ۷۳ نیز او را ستوده است.

در سفینه به مدح چندین شخص برمی‌خوریم که در بین ممدوحان ظهیر که به شمارش دکتر یزدگردی ۳۸ نفرند نامی از آن‌ها نمی‌بینیم؛ به عنوان مثال قطعه شماره ۱۰۰ برای «شرف‌الدین فاریابی» (عکس ۴۸۰)، قطعه شماره ۳۷ در مدح «صدرالدین وزانی» (عکس ۴۷۸)، قصیده ۶۴ «فی مدح زبیده‌خاتون طاب مٹواهما» (عکس ۴۶۰) و... سروده شده‌اند.

در بین این ممدوحان دکتر یزدگردی نورالدین نامی را نیز ذکر کرده و توضیحی در شرح حال او نداده‌اند. این نام در سفینه در قصیده ۷۵ به این صورت آمده است «و ایضاً له فی مدح نورالدین قرآن‌خوان» (عکس ۴۶۵).

وضعیت عنوان شعرهایی که در دیوان چاپی نیامده‌اند در سفینه به این صورت است:

قصیده با مطلع «این جهان‌داری که اصل دولت است ایام او...» با این عنوان است: «و ایضاً له فی مدح الملک الکبیر عضدالدوله طغانشاه بن موید»

قصیده با مطلع «آمد به فرخی و سعادت به دار ملک...» با این عنوان آمده: «و ایضاً له بمدح نظام‌الملک». هر سه قصیده دیگر با عبارت «و ایضاً له بمدحه» آمده‌اند.

وضعیت قطعه‌ها نیز بدین‌گونه است:

قطعه «سلام من برسان ای صبا...»: «و ایضاً له برسم المراسلات»،

قطعه «تو را رسد به جهان...»: «و ایضاً له بمدح امیر»،

قطعه «دعانی و ما...»: «و ایضاً له بمدح الصدر... علی المستوفی»،

قطعه «مرا اگر تو ندانی...»: «و ایضاً له فی الافتخار»،

قطعه «قضا با قدر امتحان کرد و گفت...»: «و ایضاً له بمدح اتابک قزل ارسلان». عناوین دیگر قطعه‌ها نیز عباراتی است

نظیر: وله و وله بمدحه.

ضبط‌های متفاوت

این دیوان زمانی تصحیح شده که چندین نسخه‌ی موجود از دیوان شاعر یا هنوز یافت نشده بوده‌اند یا مصحح به آن‌ها دسترسی نداشته است؛ در این میان سفینه گاه ضبط‌هایی دارد که با متن متفاوت است و با هیچ‌کدام از نسخه‌بدل‌های موجود نیز پشتیبانی نمی‌شود، و ضبط نسخه‌هایی که مصحح در اختیار نداشته فعلاً در دست ما نیز نیست، چندی از این ضبط‌ها قطعاً برتر از متن است و برای پاره‌ای از آن‌ها نیز باید پشتیبانی از دیگر نسخه‌ها یافته شود و گرنه به‌صرف

روایت سفینه نمی‌توان حکم بر برتری آن‌ها داد. در هر حال صورت متفاوت و گاه مرجح پاره‌ای از ضبط‌های سفینه این‌گونه است.

الف) ضبط‌های منحصر به فرد:

وین یار نازنین که سرانگشت می‌گزد هم محنتی ست گر نه طپیدنش از کجاست

(۳۵/۱۵)

سفینه: و آن باز نازنین که... با توجه به بیت‌های پیش و پس از این بیت که از نام حیوانات و پرندگان نظیر پیل، شیر، مور، کبک، شاهین، طاووس، سیمغ... استفاده کرده، ضبط «باز» صحیح است. همچنین «گر» در مصراع دوم «ور» است که همه نسخه‌بدل‌ها نیز همین را تأیید می‌کنند.

در پای محنت تو از آن دست می‌زنم تا برنگیری از سر من دل‌فکار دست

(۴۰/۲)

سفینه:... از آن دم نمی‌زنم. با عنایت به معنی شعر ضبط سفینه بر متن ترجیح دارد.

دین خدا از تو باقی است معونت لاجرمت روز و شب خدای معین است

(۴۹/۱۷)

سفینه: یافته‌ست معونت. ضبط سفینه به مراتب بهتر از صورت پیشنهادی چاپی است.

وجود خصم تو جز کثرت سواد نیست چنانکه هیبت صفر از میانه اعداد

(۵۷/۴)

سفینه: هیبت صفر. هیبت بزرگی را به ذهن متبادر می‌کند و در این بیت دور از خواست شاعر است. هیبت برای صفر به اطمینان صورت بهتری است.

ایزد چو کارگاه فلک را نگار کرد از کاینات ذات تو را اختیار کرد

(۶۴/۱)

سفینه: «... به کار کرد» دارد. با توجه به اینکه بیت در حال بازگویی مسئله آغاز آفرینش و شروع این داستان است «به کار کردن» کارگاه نیز می‌تواند صحیح باشد.

روی من از پی طرف کمرت هر لحظه ای بسا گوهر ناسفته که در زر گیرد

(۶۶/۳)

سفینه: چشم من از پی... شاعر از گریستن می‌گوید و از اشکی که بر رویش (زر) می‌ریزد، در این صورت چشم بهتر از روی است.

بخت از این خیمه سر بافته سیم‌طناب بر سر فرق فلک‌سای تو افسر گیرد

(۶۶/۱۳)

سفینه:... زربافته سیم‌طناب. حرف از خیمه‌ای است که با زر بافته شده و طنابش از سیم (= نقره) است، سربافته در اینجا مناسبتی ندارد.

ماه ازین بحر گرانیمایه ناسفته درر گردن ملک تو را حجله به زیور گیرد

(۶۶/۱۴)

سفینه: ... جمله به زیور گیرد. معنی مصراع دوم این است که ماه تمام گردن ملک تو را به زیور می‌گیرد، با ضبط پیشنهادی، نسخه چاپی اگر «را» رای فک اضافه باشد، معنی بسیار پیچیده می‌شود: ماه حجله گردن تو را به زیور می‌گیرد!

از فزع قهر و شدت غضب او در دل کان پاره‌های خون معقد

(۷۰/۵)

سفینه: غضب اوست. بیت به صراحت به «است» پس از «او» محتاج است.

دل که چو دُری‌ست در هوای تو صافی از کرم‌ت سرخ‌روی گشت چو بسد

(۷۰/۹)

سفینه: دل که چو دردی‌ست... دل آیا می‌تواند دُر باشد و در عین حال ناچیز! و بعد تبدیل شود به بسد؟ اما «درد» در بیت در مقابل «صافی» قرار می‌گیرد و این ناخالص از «کرم» او تبدیل به بسد می‌شود.

روز وجودم چو روزنامه خصمت گردد از احداث روزگار مشید

(۷۰/۱۲)

سفینه: روز حسودم. با این ضبط بیت معنی درستی به دست می‌آورد.

ستوده خسرو عالم که خاک درگه او سپهر سر زده را تاج افتخار دهد

(۸۳/۳)

ضبط مصراع اول مطابق است با تاریخ ابن اسفندیار. دلیل این انتخاب معلوم نیست در حالی که همه نسخه‌ها ضبط‌هایی متفاوت ارائه می‌دهند و تعجب زمانی بیشتر می‌شود که در پایان همین قصیده نوشته‌اند: «ابیاتی متفرق از این قصیده آن هم نادرست و نامفهوم در تاریخ طبرستان ابن اسفندیار، ص ۱۲۱ آمده است.» در هر حال ضبط سفینه این گونه است: سر ملوک قزل ارسلان که خاک درش.

گر چه یک شخم از ره صورت دارم از علم لشکری جرّار

(۹۷/۴)

سفینه: یک شخم از ره صورت. یک شخص به معنی یک نفر در مقابل لشکر قرار گرفته است و یک شخم با اطمینان ایراد دارد.

ای که از اوج برج تعظیمت سر طائر ز بیم بنهد سر

(۱۰۰/۲۰)

سفینه: نسر طایر. نسر طایر صورتی فلکی است به معنی کرکس پرنده و این ضبط کاملاً صحیح است، نیز برج در مصراع قبل همین را تقویت می‌کند.

پیش شمشیر لفظت از دهن‌ت صبیح صادق بیفکند خنجر

(۱۰۱/۲)

سفینه: پیش شمشیر لطف از دهشت. بیت در نسخه چاپی آشفته می‌نماید و این آشفستگی با ضبط سفینه از بین می‌رود.

بکوش تا به سلامت به منزلی برسی که راه سخت مخوف است و منزلت بس دور

(۱۰۵/۸)

سفینه: ... به مأمنی برسی. این ضبط با توجه به مخوف بودن راه و دور بودن منزل بسیار به جا و مطمئن تر است.
چو این عروس سزاوار چون تو شاه بود برای مهر گران نیست مستحق طلاق

(۱۱۸/۶)

سفینه: چنین عروس سزاوار... واضح است که ضبط سفینه بهتر است.
مرا ز شادی رویش به سینه باز آمد دلی که مرده و زنده نبود از او اثرم

(۱۳۱/۳)

سفینه در محل قافیه «خبرم» دارد. «اثرم» در همین قصیده بیت یازدهم تکرار شده است و معنی بیت و باز آمدن، بی خبر بودن، ضبط سفینه را تقویت می کند.

ز بهر خدمتی عید خود همین قصه ست که من به نزد جهان پهلوان به قصه برم

(۱۳۱/۱۶)

سفینه: ... جهان پهلوان به تحفه برم. این صورت را روایت شعر و معنی بیت مشخص می کند که صحیح است.
از رشک سنان دیوبندت دیوانه شده روان رستم

(۱۳۳/۱۲)

سفینه: ... رشک کمند دیوبندت. کمند و بند موسیقی بهتری با هم ایجاد می کنند و نیز با «کمند» می شود دیو را بست.
خواجه راست:

نه من به بند کمند تو پای بندم و بس کسی به شهر نیامد که شهر بند تو نیست

(خواجه کرمانی، ۱۳۶۹: ؟؟)

روی فلک سیه شود آنگاه رای تو بر چهره زمانه ز عصیان کشد رقم

(۱۳۵/۱۷)

سفینه: ... آن دم که رای تو. بیت احتیاج به «که» دارد که معنی آن درست شود.
سطح اعلا ی فلک گر چه محیط است به هست در دایره قلّه تو چون نقطه جیم

(۱۳۸/۱)

سفینه: دایره قدر تو... دایره قد خمیدگی و ناتوانی را می رساند و امتیازی برای ممدوح شاعر در پی ندارد، اما دایره قدر، بزرگی شاعر را منحصر به خود او می کند.

بر باد داد هیبت تو خرمن قمر و آتش زده شکوه تو در راه ترکشان

(۱۴۱/۱۹)

سفینه: ... راه کهکشان. خرمن قمر که وجود داشته باشد، راه کهکشان در بیت مناسبت دارد.
ای با زمانه حکم تو آن کرده کاسیب مهرگان به گل و گلشن

(۱۴۴/۸)

سفینه: ای با زمانه حسن تو.... این قسمت تغزل قصیده است و «حسن» با گل و گلشن و «مهر» در مهرگان و لطافت تغزل، سازگاری بیشتری دارد.

کنون ز مستی من بیش از این دو حرف دلی چو چشمه میم و قدی چو حلقه نون

(۱۴۶/۱۱)

سفینه: کنون ز هستی من.... همین درست است و از «هستی» شاعر چیزی به جز دو حرف نمانده است نه از مستی او.

گر قبول تو سایه برگیرد برکشد آفتاب خنجر کین

(۱۵۰/۱۵)

سفینه: ...سایه ای گسترده. معنی شعر سایه گستردن را می خواهد نه سایه برگرفتن را. بیت های پیش و پس از این نیز در مدح ممدوح شاعر همین تعبیرات را تکرار می کنند.

لیکن از بس غبار محنت و رنج که نیابد به عمرها تسکین

(۱۵۳/۴)

سفینه: ...عنا و محنت و رنج. عنا با محنت و رنج سازگاری بیشتری دارد.

تکلفی نبود لایق بزرگی تو اگر به خیره نگیری و عیب نشماری

(۱۶۵/۷)

سفینه: اگر تو خرده نگیری.... با عنایت به بزرگی در مصراع قبل صورت سفینه بهتر است، نیز در عیب، خیره (بیهوده) هم وجود دارد.

اندرین واقعه تنها نه منم در عالم هر کسی را به حد خویش بود تیماری

(۱۶۹/۵)

سفینه: بازاری

وز دست کفت فرات و دجله هر لحظه زنتد جامه در نیل

(۲۱۳/۱۷)

سفینه: دست و کفت.... با این ضبط لف و نشری نیز در بیت پیش می آید: فرات از دست تو و دجله از کفت جامه در نیل می زنند.

به نعیم وجود پُر کرده هفت کشور شکم به پهلوی تو

(۲۲۰/۶)

بیت معنی محصلی ندارد و سفینه این ضبط را دارد: به تنعم وجود پر کرده. احتمالاً ضبط نسخه اساس همین بوده و مصحح نسخه را بد خوانده باشد.

بر در صومعه بنشست و سلامی در داد سر خم را بگشاد و در غم را در بست

(۲۴۷/۱۰)

سفینه: بگذشت و صلابی در داد. صلا به معنی دعوت کردن به مهمانی است و با توجه به گشودن سر خم سنخیت

بیشتری دارد. لازم به گفتن است که چهار نسخه دیگر نیز به جای بنشست، بگذشت داشته‌اند.

ب) ضبط‌هایی که از طرف نسخ دیگر پشتیبانی می‌شود:

ضبط‌هایی که از طرف نسخه‌های دیگر پشتیبانی می‌شود نیز بسیار است اما به ذکر یکی دو نمونه از این نوع بسنده می‌شود.

دین هدی [ز پایه] سعی تو شد قوی کار جهان به سایه عدل تو گشت راست

(۳۶/۱۱)

«ز پایه» آن‌چنان که از توضیحات نسخه‌بدل‌ها برمی‌آید، در متن ناخوانا بوده است و این تعبیر را خود استاد یزدگردی به حدس در متن جای داده است. به جای این سفینه «ز پستی» دارد که ضبط یکی دیگر از نسخه‌ها نیز همین بوده و درست نیز همین است. این ضبط در مقدمه‌ای که استاد یزدگردی بر دیوان ظهیر نگاشته‌اند پذیرفته شده بوده است و در آنجا نوشته‌اند: «دین هدی به پستی سعی او قوی و کار جهان به سایه عدل او راست شده است» (ظهیر، ۱۳۸۱: ۳۲۱) آن‌گاه بیت را به همین صورت با ضبط «ز پستی» نقل کرده‌اند.

به حرب دشمن بدفعل او عجب‌تر آن که همچو تیغ برآورد استخوان گوهر

(۱۰۸/۱۱)

سفینه: دشمن سگ‌فعل.... استخوان در مصراع دوم وجود سگ در مصراع اول را خواستار است. سه نسخه دیگر (یو ۲ کتابت ۸۴۰، بم کتابت ۸۷۲، پا کتابت ۸۴۳) نیز همین ضبط را تأیید می‌کنند.

سپهر و مهر چو حجّاج کعبه اسلام به عزم کعبه اسلام بسته‌اند احرام

(۱۲۷/۱)

سفینه: به عزم کعبه اقبال.... این ضبط از تکرار کعبه اسلام که بی شک استباه است جلوگیری می‌کند. در ضمن ضبط دو نسخه دیگر، تصحیح ایشان (یو ۱ کتابت ۷۵۹) و (بی کتابت ۷۶۸) نیز همین بوده است.

و آنچه با خلق می‌کند سعیت با چمن شبنم مطر نکند

(۲۰۱/۴)

سفینه:... می‌کند تیغت. و نیز در مصراع دوم شبنم و مطر نکند. متن این قطعه از نسخه اساس نیست و از تنها در «بم» و «سق» آمده است. ضبط سفینه بر آن‌ها ارجح است.

در گذرهای او [گلی است که] پیل جز به کشتی در او عبر نکند

(۲۰۱/۱۶)

این قطعه را فقط دو نسخه «بم» و «سق» داشته‌اند و مصحح اشاره‌ای به این نکته نکرده‌اند که قسمتی از مصراع اول چرا در قلاب است. اگر این به دلیل ناخوانا بودن در نسخه‌ها است باید گفت ضبط سفینه هم به همین صورت است تنها به جای «او»، «آن» آورده است.

بدخوانی نسخه

در پاره‌ای مواقع ضبط پیشنهادی نشان از این دارد نسخه‌های موجود درست خوانده نشده‌اند:

آن دل که سفره فلک چنبری نگشت در چنبر دو زلف تو اکنون مسخر است

(۴۱/۴)

سفینه: ...سخره فلک چنبری نگشت. مسخر با سخره تناسب ایجاد می کند همان طور که فلک چنبری با چنبر زلف.

جایی که جلوه گاه عروس ظفر بود بر فرض خصم گوهر تیغت نثار باد

(۵۲/۱۶)

سفینه: بر فرق خصم....

جهان زمان تصرف به دست ملک تو داد هنوز گردون از روی همت تو خجل

(۱۲۶/۲)

سفینه: زمام تصرف.

وگر زمانه بسوزد جریده اعمار بود صحیفه تیغ تو نسختی کامل

(۱۲۶/۷)

سفینه: جریده اعمال.

ز من ملوک جهان نام نیک زنده کنند به قول مرده دلان بر میان مزن بترم

(۱۳۲/۱۷)

سفینه: ... بر میان مزن بترم. این ضبط به وضوح صحیح تر است.

مهر به پیش خود آبرویم از پس از این حدیث نان به زبان آورم ز سگ بترم

(۱۳۲/۲۱)

سفینه: مهر به پیش خرد آبرویم، از پس از این. مصحح هم خرد را خود خوانده و هم از را از.

دریا به قبضه کف گوهر نشان توست آری بلور نیز به گوهر مشبه است

(۵۱/۷)

سفینه: ...گوهر نشان توست.

وی ز شکر دهان اصل هنر گشته چون کام نیشکر شیرین

(۱۵۳/۱۸)

سفینه: ...دهان اهل هنر.

منتظم با کف دربار تو اسباب حیات منتشر در سر شمشیر تو آثار جحیم

(۱۳۷/۱۸)

سفینه: ...با کف دریای تو. دریا با جود و ابر بذل در بیت پیش از این مطابقت تمام دارد.

برخیز و از زمانه به یکبار نسل و حرث گر دفع فتنه را نکند تیغ تو ضمان

(۱۴۱/۱۶)

سفینه: برخیزد.... این صورت بسیار پسندیده تر است.

در پاره ای مواضع سفینه ضبطی دارد که با تمام نسخه ها متفاوت است این به معنی برتری ضبط سفینه بر ضبط متن

نیست، ولی در بعضی از این مواضع، ضیض نسخه چاپی از نسخه‌های غیر از نسخه اساس است و صورت سفینه می‌تواند به متن بیاید:

در قطعه شماره (۲۲۰/۱) مصراع «دانی که مدتی من رنجور خاکسار»، در سفینه به صورت مگذار خسته دل رنجور را از آنک آمده است. همین‌طور در قصیده (۷۸/۳) به جای بیت:

به کام خویش بران مرکب نشاط و طرب که بخت با تو عنان راست در عنان افکند

این بیت را دارد:

رکاب عهد تو در مملکت چنان بادا که روزگار عنان با تو در عنان افکند

امتیاز دیگری که سفینه دارد و می‌تواند در بهبود چاپ دیوان به کار آید اصلاح ضبط‌های مغلوپ و مغشوشی است که از درهم‌ریختگی نسخه‌ها به متن راه یافته است:

قصیده ۴۵ بیتی شماره ۶۵ در دیوان چاپی تا بیت ۱۳ بر اساس نسخه اساس است و به دلیل ناقص بودن آن قصیده در آن نسخه و آشفتگی و مغشوش بودن نسخه‌های دیگر (رک دیوان: ۱۵۲ پاورقی ۸) متن بر اساس نسخه «بم» که در ردیف ششم نسخه‌ها قرار دارد و کتابت آن در سال ۸۷۲ بوده است انتخاب شده است. این قصیده در سفینه بدون هیچ ایرادی ضبط شده و نکته با اهمیت این است که بیت هفدهم در آن پس از بیت بیستم آمده است؛ این به روایت جاری در شعر کمک بیشتری می‌کند. نیز توالی ابیات در قصیده ۴۰ در سفینه معقول‌تر از نسخه چاپی به نظر می‌رسد.

بحثی بر نسخه اساس

نسخه اساس طبع استاد یزدگردی نسخه کاملی نبوده و بسیاری از شعرها را از نسخه‌های متأخر نقل کرده است. در اینجا شعرهایی را که نسخه اساس و نسخه‌های نزدیک به آن نداشته‌اند به تفکیک ذکر می‌کنیم و نشان می‌دهیم کدام یک از آن‌ها می‌تواند از سفینه به متن بیاید: از تعداد قصاید موجود، ۲۰ قصیده ۱۵، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۶، ۴۹، ۵۷، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۸ و ۸۰ در اساس و نسخه‌های نزدیک به آن نبوده‌اند و به جز ۵ قصیده ۲۲، ۳۳، ۴۶، ۶۰ و ۶۸ بقیه در سفینه آمده‌اند و می‌توانند جایگزین صورت‌های نادرست متن شوند.

از قطعات موجود در چاپ ۳۰ قطعه از اساس نقل نشده و از این بین قطعات ۱، ۵، ۷، ۱۳، ۴۳، ۴۴، ۴۹، ۶۱، ۷۲، ۷۳، ۷۷، ۷۹، ۸۱، ۹۶ و ۹۸ می‌تواند از سفینه به متن بیاید.

۵۴ رباعی از دیوان چاپی از نسخه‌ای جز اساس به متن آمده‌اند در این میان رباعی‌های ۲، ۴، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۵، ۳۹، ۴۶، ۵۸، ۶۷، ۶۹، ۷۸ و ۹۰ را سفینه دارد و ضبط سفینه باید به متن منتقل شود. ملمع شماره ۱ و ترکیب‌بند‌های ۱ و ۴ نیز در نسخه اساس مصحح نبوده‌اند و صورت سفینه می‌تواند به متن راه پیدا کند.

البته ناگفته نباید رها کرد که دیوان ظهیر در سفینه تبریز بسیاری از بیت‌های قصیده‌ها، قطعه‌ها و... را ندارد و در پاره‌ای از مواضع از ایرادهای شگفت و بی‌دقتی‌هایی خالی نیست ولی در نهایت نسخه‌ای است قابل اعتماد.

می‌دانیم این کتاب زمانی به چاپ رسید که سال‌ها از درگذشت مصحح فاضل آن گذشته بود، پس بعضی از اشکالات موجود در چاپ، نمی‌تواند متوجه ایشان باشد و چندی از این ایرادها به دکتر دادبه برمی‌گردد، از آن جمله، ذکر ناقص و گاه گمراه کننده نسخه‌بدل‌هاست. ذکر صحیح و دقیق نسخه‌بدل‌ها وظیفه هر مصحح متن ادبی است. آشفتگی در ضبط

نسخه‌بدل‌های این چاپ هویدا است. به عنوان مثال در صفحه ۱۶۱ این چنین آمده: «فتاد نام بزرگت^۱ به عدل در افواه». در شرح نسخه‌بدل آن این گونه آمده: یو۱: جلال. به احتمال فراوان متن نسخه «جلالت» بوده که به اشتباه «جلال» ذکر شده است. شگفت‌تر اینکه در همان صفحه مصرعی دیگر به این صورت است: «که حصر آن نکند دور سال و مدّت ماه^۵» و برای آن از دو نسخه «بی» و «پا» ذکر شده: گردش. این واژه به این صورت به هیچ نحو، با بیت جور در نمی‌آید. مثال دیگر اینکه؛ در صفحه ۱۶۲ می‌خوانیم: «حدیث کوتاه و شیرین بگوی^۵ کو خالی‌ست». از سه نسخه یو۱، پا و بی آمده: «بگو چو من». عدد ۵ می‌بایست بر روی «کو» باشد که قرائت درستی از نسخه‌ها به دست دهد و گرنه بیت دچار ایراد وزنی می‌شود.

در قسمت رباعی‌ها، رباعی اول به این شکل است: «بی آنک^۱ به کس رسید زوری از ما» توقّع چنان است که ضبط متفاوت دیگر نسخه‌ها آورده شود ولی در پاورقی شماره ۱ می‌خوانیم: «این رباعی را شمس قیس رازی به وزیر بونصر کندی نسبت داده است...» برای توضیحی این چنینی، این عدد می‌بایست روی شماره رباعی، یا شبیه دیگر شعرها، در پایان شعر می‌آمد. نیز در (۷۹/۴) عدد ۱ باید بر روی «عقل» قرار بگیرد نه بر روی «اندر». بیت‌های ۲۴-۱۶ قصیده ۷۴ پس از آخرین بیت قصیده ۷۳ آمده و اشاره دقیقی به این مهم نشده است. در قصیده (۱۴۱/۱۹) نسخه‌بدل شماره ۱۲ با متن هیچ تفاوتی ندارد! در صفحه ۸۳ جای توضیحات شماره ۲ و ۳ جا به جا شده است و با توجه به این که هر دو شماره، دو مصراع کامل را توضیح می‌دهد خواننده را دچار سردرگمی می‌کند. در صفحه ۲۷۲ از «یو۱» به عنوان نسخه‌بدل ضبطی نقل کرده آنگه در ادامه می‌نویسد این رباعی در یو۱ ثبت نشده است.

از نواقص دیگر این چاپ ایرادهای مطبعی متعدّد است که شمار آن‌ها از حد احصا می‌گذرد برای مثال می‌توان برشمرد: در قصیده (۵۷/۱۹) چهار باید تبدیل به «چار» شود و در قصیده (۷۷/۱۲) «هر آن کس» باید «هر آن کسی» شود و نیز تقریباً در همه جای کتاب صد ره (=بار) بی فاصله به صورت صدره چاپ شده است و بسیاری دیگر که با نگاه به هر کدام از صفحات به حتم به چشم خواهد خورد.

در پایان امید آن می‌رود که در تجدید چاپ این دیوان، هم از نسخه نفیس سفینه و هم از کتاب‌ها و مجموعه‌های دیگری که شعری از ظهیر در آن‌ها یافت می‌شود^۸ استفاده شود بلکه زحمات چندین ساله مصحح فاضل آن اینگونه بی‌مبالات جلوه نکند.

پی‌نوشت‌ها

۱- دکتر ریاحی این تعداد را ۲۴ رباعی ذکر کرده است (رک: جمال خلیل‌شروانی: ۱۰۹) اما تعداد رباعی‌هایی که به نام ظهیر فاریابی آمده ۳۰ و با احتساب نام ظهیر، که احتمال می‌دهند همان فاریابی باشد، ۳۵ رباعی است. این تعداد هر چند بیشترین تعداد رباعی از یک شاعر نیست که در این مجموعه آمده، اما نام او در بین کسانی است که به گفته مصحح فاضل کتاب، دکتر محمدامین ریاحی، از کسانی بوده است که گردآورنده کتاب به شعر او توجه زیادی داشته است.

۲. نیز رک به دیوان ظهیر فاریابی: ۳۸۰-۳۸۱.

۳. در سفینه، ترکیب‌بندها زیر عنوان الترجیعات آمده‌اند.

۴. این دو شعر در سفینه در بین غزل‌ها آمده‌اند و درست نیز همین است، چه در زبان فارسی قالبی به عنوان «ملمّع» تعریف نشده است و این هنر یا صنعت در علم بدیع بررسی می‌شود. تقسیم‌بندی دیوان چاپی ظهیر به قصاید، غزلیات و قرار دادن این گونه

شعر در دسته‌ای جداگانه و به این عنوان به نظر نمی‌رسد صحیح باشد.

۵. البته این رباعی از شرف‌الدین شفروه است (رک لباب الالباب عوفی، چاپ نفیسی، ۲۲۵). این رباعی به مولوی هم انتساب دارد اما انتسابش به مولوی به دلیل آمدنش در لباب الالباب منتفی است. در دیوان شرف‌الدین شفروه هم هست (نسخه بایگانی ملی هند، برگ ۱۶۲).

۶. شماره ابیات در دیوان ایراد دارند و ما برای سهولت در کار خواننده همان شماره‌ها را حفظ کردیم.

۷. در همه‌جای این مقاله عدد سمت چپ شماره صفحه و عدد سمت راست شماره بیت در آن صفحه است.

۸. برای نمونه بنگرید به «اشعار تازیافته ظهیرالدین فاریابی» از دکتر مسعود تاکی.

منابع

- ۱- افشار، ایرج. (۱۳۸۱). «نسخه برگردان سفینه تبریز»، س ۳، ش ۱، (دفتر ۶، پاییزمستان)، ۸۸-۹۸.
- ۲- تاکی، مسعود. (۱۳۸۸). «اشعار تازه یافته ظهیرالدین فاریابی»، کتاب ماه ادبیات، ش ۲۶، (پیاپی ۱۴۰)، ۴۴-۴۶.
- ۳- جمال‌الدین اصفهانی. (۱۳۶۲). دیوان کامل استاد جمال‌الدین، تهران: سنایی، چاپ دوم.
- ۴- جمال خلیل شروانی. (۱۳۷۵). نزهه المجالس، تصحیح و تحقیق دکتر محمدامین ریاحی، تهران: انتشارات علمی، چاپ دوم.
- ۵- خواجه‌گوی کرمانی. (۱۳۶۹). دیوان اشعار خواجه‌گوی کرمانی، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: انتشارات پازنگ.
- ۶- دولت‌شاه سمرقندی. (۱۹۰۰م). تذکره دولت‌شاه، تصحیح ادوارد براون، لیدن: بریل.
- ۷- زیدری، محمد. (۱۳۸۱). نفثه‌المصدر، تصحیح و تعلیقات دکتر امیرحسن یزدگردی، تهران: طوس.
- ۸- ظهیرالدین فاریابی. (۱۳۸۱). دیوان ظهیرالدین فاریابی، تصحیح، تحقیق و توضیحات دکتر امیرحسن یزدگردی، به اهتمام دکتر اصغر دادبه، تهران: نشر قطره.
- ۹- سفینه تبریز. (۱۳۸۱). نوشته ابوالمجد تبریزی، فاکسیمیل، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۰- عوفی، محمد. (۱۹۰۳م). لباب‌الالباب، تصحیح ادوارد براون، لیدن: بریل.
- ۱۱- میرافضلی، سیدعلی. (۱۳۸۱). «خوب است ولی بهتر از این بایستی»، نشر دانش، س نوزدهم، ش ۱۰۵، ۴۵-۵۲.
- ۱۲- میرافضلی، سیدعلی. (۱۳۸۱). «رباعیات خیام در سفینه تبریز»، نشر دانش، س نوزدهم، ش ۱۰۶، ۳۲-۳۵.